

چرایی غمگین بودن جامعه ایرانی



همه ما چشم به راه اعیاد بزرگ ملی- مذهبی، منتظر موفقیت غرورآفرینی در عرصه سیاست بین‌الملل یا گوش به زنگ پیروزی دلنشینی از قهرمانان ملی هستیم ...

همه ما چشم به راه اعیاد بزرگ ملی- مذهبی، منتظر موفقیت غرورآفرینی در عرصه سیاست بین‌الملل یا گوش به زنگ پیروزی دلنشینی از قهرمانان ملی هستیم تا بدون قول و قرار قبلی به میادین و خیابان‌ها بیاییم، دور هم جمع شویم و در کنار یکدیگر لحظات خوشی را سپری کنیم. به راستی در بیشتر مواقع برای اغلب ما مهم نیست چه اتفاقی افتاده است؛ با مشقت بسیار و به لطف بازی پلی‌آف به جام جهانی راه یافته‌ایم یا طی جلسات طاقت‌فرسایی با گروه 1+5 توافق کرده‌ایم. ما تنها به دنبال بهانه و فرصتی برای شادی هستیم. جالب اینجاست که در چنین شرایطی همه کسانی که تا دیروز اخم‌آلود و بی‌تفاوت از کنارمان می‌گذشتند، در موقعیت به‌وجود آمده با ما حس مشترکی پیدا می‌کنند و خود را وابسته و متعلق به این جامعه می‌پندارند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه جهان صنعت در ادامه نوشت: ما با هم جمع معناداری را شکل می‌دهیم، قلب‌مان برای هم می‌تپد و با یکدیگر احساس همدلی و همبستگی می‌کنیم. چند ساعتی نمی‌گذرد که دوشادوش هم کارناوالی از شادی و نشاط به راه می‌اندازیم. انگار راست می‌گویند که هر چقدر غم و اندوه به خلوت نیاز دارد، شور و شغف معجزه‌ای است که در میان جمع ظهور می‌کند. اگرچه شادی و نشاط از درونیات و سلامت روان تک‌تک افراد منشا می‌گیرد اما همچون ویروسی مسری و با سرعت وصف ناپذیری در تار و پود جامعه نفوذ می‌کند و روند زندگی همگان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

ابراز مسرت و شادی به صورت رفتارهای جمعی شادمانه و البته در قالب‌های متعارف و معقول، روح سرزندگی و انرژی عاطفی را به رگ و ریشه‌های جامعه تزریق می‌کند و از این طریق احساس تعلق خاطر، تعهد و پابندی به جمع را در افراد ایجاد می‌نماید. در جامعه ما با وجود این همه شور و اشتیاق بالقوه برای ابراز شادی و سرور و بهانه‌تراشی برای دوره‌های دوستانه، جریان روزمره زندگی افراد با نوعی رخوت و بی‌حوصلگی و در فضایی حزن‌آلود پیش می‌رود، افراد چنان سرگرم گرفتاری‌ها و مشغله‌های هر روزه هستند که گاهی از لبخندی ساده به یکدیگر نیز دریغ می‌کنند. در شرایط عادی شادی‌های اجتماعی افراد به ارتباطات کلامی و شوخی‌های لفظی خلاصه می‌شود و به ندرت به عرصه رفتارهای شادمانه و پرهیجان راه می‌یابد. بی‌تردید از چنین جامعه‌ای که به روش قطره‌ای عطش شادی و نشاطش را فرو می‌نشاند، نه‌تنها انتظار تحرک و پویایی، توقع نابجایی است بلکه احتمال بروز انواع آسیب‌های اجتماعی دور از ذهن نیست. کمرنگ بودن مظاهر و نمودهای بیرونی شادی و نشاط در بین افراد و فاصله گرفتن متوسط جامعه به ویژه جوانان از رفتارهای جمعی شادمانه و نشاط اجتماعی، امکان گرایش آنان را به خشونت و پرخاشگری در قطب مخالف مسرت و شادی افزایش می‌دهد. این واقعیت ناخوشایند فرآیند ابتلای جامعه را به آسیب‌های اجتماعی همچون درگیری‌های فیزیکی، قتل، تجاوز و... هموار می‌کند.

علاوه بر این قواعد عرفی حاکم بر جامعه با مرزبندی‌های دست و پاگیر در زمینه‌های شادی‌بخش و نشاط‌آور به ویژه آداب و مناسک کهن و سنت‌های چند هزار ساله، مانع از بروز نشاط و شادابی افراد می‌شود و ابراز رفتارهای شادمانه آنان را متوقف می‌کند. در موارد متعددی در آموزه‌های دینی به اشاره یا مستقیم افراد را به اظهار شادی و نشاط به صورت جمعی و اجتماعی سفارش کرده‌اند. از زاویه دیگر، دیدگاه‌های پذیرفته شده و ارزشمند علمی در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز با انقیاد روح نشاط اجتماعی و شور و شغف جمعی به واسطه چارچوب‌گذاری‌ها و محدودیت‌های سفت و سخت در جریان جامعه مخالف می‌نمایند و بر این باورند که در جامعه ما شادی‌های جمعی نیاز از یاد رفته‌ای است که به واقع در متن جامعه جایگاه درخوری برای آن دیده نشده و ضرورت پرداختن به آن احساس نمی‌شود. در صورتی که به توصیه متخصصان این حوزه‌ها، بسیاری از بیماری‌های روحی، اختلالات روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی با حضور افراد در شادی‌های جمعی و تخلیه هیجانات به صورت گروهی بهبود می‌یابد و احساس تنهایی، افسردگی و اضطراب در آنها به میزان قابل توجهی فروکش می‌کند و همچنین سبب ماندگاری و تداوم حس نشاط و شادابی در آنها می‌شود. حال آنکه درمان بیماری‌های روحی با روش‌های معمول پزشکی و داروهای شیمیایی مدت‌ها به طول می‌انجامد و البته عوارض بعضاً جبران‌ناپذیری را نیز به همراه دارد. باید در نظر داشت که قطع روابط احساسی و عاطفی افراد با جامعه بیرونی از خانواده و گروه همسالان گرفته تا گروه‌های اجتماعی بزرگ‌تر، سلامت روحی و بهداشت روانی آنان را به مخاطره می‌اندازد. طبق آمارهای موثق جهانی، ایران در کنار برخی از کشورهای جهان سوم همچون عراق، مصر و افغانستان در صدر لیست کشورهای غمگین و افسرده قرار دارد. همچنین به گزارش مراکز بهداشت و سلامت داخلی، جامعه ما با جمعیت رو به رشدی از بیماران اعصاب و روان روبه‌رو است که به انواع امراض ناشی از رخوت و افسردگی دچارند و بالطبع بار سنگینی بر دوش افراد سالم جامعه محسوب می‌شوند. جامعه‌ای که نگران رفتارهای ضداجتماعی و غیراخلاقی از خلال جشن‌ها و شادی‌های جمعی است، باید بداند که با سرکوب احساسات جوانان، انباشت هیجانات مردمی و عدم امکان بروز رفتارهای شادمانه در فضاهای عمومی، انبار باروتی با ذخیره بالایی از انرژی‌های رهاننده می‌سازد که دیر یا زود و به یکباره با کوچک‌ترین جرقه‌ای به صورتی نامتعارف و به دور از آداب اجتماعی در جامعه آزاد می‌شوند، تحت شرایطی که بی‌شک جامعه آمادگی و ظرفیت مقابله با آنها را ندارد و به این صورت به آسانی قادر به مهار و کنترل‌شان نخواهد بود و ممکن

است در برهه‌ای از زمان جامعه را به هرج و مرج و نابسامانی دچار کند.

شادی‌های جمعی به محفل‌های خصوصی تقلیل یافته

همچنین زمانی که افراد با معذورات غیرمنطقی جامعه در رابطه با بروز شادی‌های جمعی روبه‌رو می‌شوند، به مرور زمان و به ناگزیر جشن‌های ملی و مراسم مفرح جمعی را از متن ناپذیرای جامعه به حریم‌های امن خصوصی و مجالس شخصی‌شان می‌کشانند. با رانده شدن شادی‌های جمعی به محفل‌های خصوصی و مهمانی‌های شخصی، آسیب‌های غیرقابل تصویری متولد شده و به تدریج به بطن جامعه رسوخ می‌کنند. تداوم این فرآیند ضداجتماعی به‌طور کلی استعداد افراد را در پرورش رفتارهای جمعی و مشارکت‌های اجتماعی در عرصه‌های گوناگون در نطفه خفه می‌کند و در حقیقت ضربه‌ای که از این طریق بر بدنه باور افراد به فعالیت‌های اجتماعی و رفتارهای جمعی وارد می‌آید، به سهولت قابل جبران نخواهد بود. این گونه عملکرد بازدارنده از سوی جامعه خواسته یا ناخواسته به تحقق واقعیت اجتماعی «انبوه تنها» در دنیای مدرن مدد می‌رساند؛ جماعتی که ساعت‌ها در کنار هم حضور دارند اما نمی‌توانند با هم ارتباط موثری برقرار کنند و در غم و شادی یکدیگر سهیم شوند و صرفاً مانند روبات‌های برنامه‌ریزی شده و بی‌توجه به دیگران به انجام فعالیت‌های روزمره مشغولند. در چنین شرایطی افراد به انتظار وقوع پیشامدی خوشایند می‌نشینند تا شاید نگاه سنگین قواعد عرفی جامعه از مقوله شادی برداشته شود و مجال مختصری بیابند تا شادی نشاط خود را به صورت دسته‌جمعی ابراز کنند و از ساده‌ترین وقایع انسانی یعنی در کنار هم بودن، خندیدن و خوشحالی کردن لذت ببرند. حال اگر جامعه ما به این امر واقف باشد که بروز مظاهر شادی به صورت رفتارهای اجتماعی، چه عامل نامحسوس و کم‌هزینه‌ای در ایجاد طراوت و سرزندگی در بین افراد است و به تقویت حس وفاق، همبستگی و همدلی در میان اقوام و گروه‌های متفاوت اجتماعی کمک می‌کند باز هم با مقررات انعطاف‌ناپذیر مسیر شادی و نشاط مردم را سد خواهد کرد؟ شور و شغف زندگی بخشی از همان سرمایه گرانبهای اجتماعی است که احساسات مثبت و روحیه نشاط و شادمانی را در میان افراد جامعه به جریان می‌اندازد که هر چقدر در بین اقشار مختلف تسری یابد و افراد بیشتری بتوانند از آن بهره‌مند شوند، نه تنها از آن کاسته نمی‌شود بلکه به نوعی بر میزان آن افزوده می‌شود. با این وجود آیا جامعه با اشراف به این واقعیت اجتماعی باز هم در برابر رفتارهای شادمانه مردم از قوه قهریه استفاده می‌کند؟ بد نیست این پرسش‌ها و سوالاتی از این دست یک‌بار دیگر برای جامعه ما مرور شود.

آسیب‌های جشن‌های دسته‌جمعی

در کنار همه این تفاسیر، بر شیوه نمایش و نحوه برگزاری جشن‌های دسته‌جمعی و مراسم سنتی انتقادهایی نیز وارد است. چه بسیار مراسم شادمانه جمعی که به تضییع حقوق شهروندان، اهانت به شخص یا گروه خاص و سلب آرامش دیگران منجر شده و حتی خود فرد را مورد آسیب قرار داده است و در مواردی روی خوش امنیت و آرامش جامعه را به خلق تنگ هرج و مرج و بی‌سامانی اجتماعی مبدل کرده است. اما در نهایت بر مبنای هر عقل سلیمی ضعف مهارت‌های اجتماعی افراد در برگزاری شادی‌های جمعی و ابراز نشاط اجتماعی نباید به پای غیراخلاقی و منافی ارزش بودن گردهمایی‌ها و کارناوال‌های شادی حساب شود و شور و شغف گروهی را در چهاردیواری تنهایی افراد حبس کرد یا شادی‌های اجتماعی‌شان را به تفریحات تصنعی فردی مانند پرسه در خیابان‌ها و مراکز خرید، رفتن به رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها و... تقلیل داد. با ایجاد محیط‌های عمومی امن و پاتوق‌های محلی کنترل‌شده متناسب با ویژگی‌هایی فرهنگ ایرانی به عنوان فضاهایی برای ابراز شادی و تخلیه هیجانات جمعی می‌توان از اختلاط رفتارهای شادمانه با حرکت‌های ضداجتماعی جلوگیری کرد. همچنین با احترام به شان و منزلت گروه‌های مختلف، آنها را در برگزاری اعیاد و مراسم آیینی همراهی کرد. در همین روزها که ولادت مبارک پیامبر عشق و مهربانی حضرت محمد(ص) با آغاز سال نو میلادی مصادف شده است، می‌توان فرصت را غنیمت شمرد و با مشارکت در شور و شادی گروه‌های مختلف جامعه، مهارت اجتماعی رفتارهای جمعی شادمانه را آموخت. ابراز رفتارهای شادمانه یکی از مهم‌ترین تمایلات انسانی است، پس لطفاً نیاز به شادی را از گنجه نیازهای غیرضروری خارج کنید و در سبد مایحتاج روزانه قرار دهید تا هر روز خود را ملزم کنید به همراه خرید گوشت، مرغ، نان، سبزی و... به آن پردازید و همان‌قدر که برای غذای سالم جسم‌مان خرج می‌کنیم برای تغذیه گوهر گرانقدر روح‌مان هم وقت بگذاریم.